

کیمیان

جولای ۱۹۹۸ با ولادیمیر کوزینسکی صاحب رسانه روسی، مالک بنگاه رسانه‌ای موست، یهودی غیوری که در دورهای به ریاست کنگره یهودیان روسی انتخاب شده بود، توافق همکاری امضا کردیم. به او ۲۵ درصد از معاریو را در عوض مبلغ هشتاد و پنج میلیون دلار فروختیم. برای توضیح اشاره می‌کنم که ارزش شرکت معاریو هولدننگ قبل از سرمایه‌گذاری مبلغ دوپست و بیست و پنج میلیون دلار تخصیص داده شده بود و بعد از سرمایه‌گذاری به سیصد و چهل میلیون دلار افزایش یافت.

این مبلغ هنگفت که در پی پیوند با کوزینسکی به روزنامه تزریق شد، یک اهم اساسی برای سرمایه‌گذاری در نیروی کار، ابزار، تجهیزات و البته طرح‌های جدید مثل راه‌اندازی شبکه روزنامه‌های محلی ایجاد کرد، شبکهای که در چهارچوب آن ما هر جمعه دوازده روزنامه محلی مختلف در سراسر اسرائیل چاپ و توزیع می‌کنیم. در همین حین

«امید و شکست» **خاطر آن سال‌ها فعالیت اطلاعاتی – امنیتی یعقوب نیمرودی برای اسرائیل – ۶۴**

شریکی از روسیه

یک ماشین چاپ پیشرفته، جدیدترین مدل در سرتاسر جهان، خریدیم که امکان ظرفیت تولید بی‌سابقه چاپ «لوین ایستاین» شرکت بت-یام را فراهم می‌کند. نماینده کوزینسکی در هیئت مدیره معاریو وکیل زاوی حفنص بود که انرژی و توانایی او برای کار به روزنامه جاری شد و ما را با ایده‌ها و مسری‌های جدید غنی کرد. ولادیمیر کوزینسکی را یک شریک وفادار و یک دوست واقعی یافتیم. پشتیبانی او از خانواده ما هنگامی که گرفتار مشکل پرونده استرداد سمع شدید را فراموش نخواهم کرد. رابطه‌مان را با او گرم کردیم و هنگامی که درگیر مشکل آزار و بندرفتاری علیه‌اش در روسیه شد، هر کمکی که نیاز بود انجام دادیم. گروه معاریو به جز روزنامه معاریو با

بخش‌ها و ضمیمه‌های مختلف، و علاوه‌بر شبکه روزنامه‌های محلی جدید و موفق، مجله‌های مختلفی هم چاپ می‌کند، ازجمله: خوانندگان ثابت دو هفته نامه)، معاریو جوانان (هفته نامه) و معاریو کودکان (هفته نامه). از سال ۱۹۹۸ گروه معاریو شروع به چاپ ماهنامه پژوهشی شمنسال جنوگرافیک عبری کرد. مجلات دیگری که توسط این‌ گروه چاپ می‌شوند شامل: راهنمای تلویزیون ریتینگ، روزنامه ورزشی شم میسخاک، تقویم نشریات لواخ گادول، مجله وسیله نقلیه درایو، مجله معماری میصوو و روزنامه سلامت و سبک زندگی نیلاویف.

از سال ۱۹۹۹ گروه معاریو سایت اینترنتی معاریو، شامل مطالب روزنامه‌ها و مجلات این گروه و راه‌اندازی کرد. این سایت هر روز صدها صفحه از آخرین اطلاعات شامل اخبار

۴-۴. گرایش جریان **رضاخانی به هیتلر**
«بن مرام هیتلری که می‌گویم من با زورناکت و سرنیزه باید لهستان را به دست بیاورم گو که صدها هزار خانواده‌ها بر باد فنا برود، و شما ماشمی از دور بی‌خردانه از او ستایش می‌کنید. مرایم است که از مسموم‌ترین و عدالت‌سوزترین فکر بشر تراوش کرده است و بود که دانشمند عدالت دوستی با آن طرف باشد، و خردمندانی که در فکر جهان هستند باید ریشه‌امثال این پنداره‌ها را از جهان براندازند تا جهان به آرامش خود برگردد.»

۴-۵. **قراردادهای استعماری از تئوق الدوله تا پهلوی اول**

«شما همگی به قرارداد و تئوق الدوله نفرین کردید و لعنت فرستادید حق هم داشتید بکنید؛ لکن پس از چند روز همان نقشه را با وضع بدتری که همه می‌دانید به گردن شما بار کردند و شما آن را از ترقیبات دوره پهلوی و پیشرفت‌های کشور تشخیص دادید؛ درحالی‌که بین شما اشخاصی بودند که خون دل می‌خورند و از ترس سرنیزه نمی‌توانستند نفس بکشند.»

۴-۶. **وضع انتخابات در عصر پهلوی**
«همه می‌دانند که تا چند میلیون از کرسی وکالت استفاده توقع نباشد چند صدهزار تومان خرج آن نمی‌شود و یک رای به صد تومان و دوپست تومان خریداری نمی‌شود. اینان که برای کشور و خدمت به مین عیز زیر بار گران وزارت رفتند قبیل از وزارت و بعد از دو سال وزارت آن‌ها را بسنجید و سندهای مالکیت آن‌ها را ببینید تا بهتر از این مطلب را درباید. برای اشغال یک کرسی وکالت یک منظرالوکار پارک چندین صدهزار تومانی برای قان وزیر در مرکز درست می‌کنند. این‌ها برای خدمت به مین است؟!»

۴-۷. **قانون کشف حجاب**
«ما می‌گوییم دولتی که برخلاف قانون کشور و قانون عدل یک گروه دیسیون آدم خوار را به نام پاسبان شهروانی در هر شهر و ده به جان زن‌های عقیف بی‌جرم مسلمانان بریزد و حجاب عفت را با زور سرنیزه از سر آن‌ها برپاید و به غارت و چپاولی ببرد و محترمات بی‌سرپرست را در زیر لگد و چکمه خرد کند و بی‌جه‌های مظلوم آنان را سلف کند؛ این دولت، دولت ظالمانه و اعانت بر آن عدیل کفر است. ما حکومت دیکتاتوری را ظالمانه و عمال آن را ظالم و ستمکار می‌دانیم. شما در این سخن حرفی دارید بزید تا رسوایی بیش از این شود.

توده مظلوم ایران آن‌ها هم چشم ندارند عمال دیکتاتوری آن روز را که با زن‌ها و اطفال مظلوم آن‌ها آن‌طور سلوک کرده و آن بی‌ابرویی و ستمکاری‌های را کردند ببینند و هرکس این‌ها را محرم بداند از شرف و انصاف بویی ندارد. آن‌ها روزنامه‌هایی که از اعمال ظالمانه دیکتاتور گریزا که خانمان سوزترین آن کشف حجاب زن‌ها است طرفداری می‌کنند؛ کمک کار به اصول وحشیانه دیکتاتوری می‌کنند و باید اوراق آن‌ها را در میدان‌ها آتش زد.»

جدید روز و فیلم‌های ویدئویی اخبار تنظیم شده توسط خبرنگاران از دل حادثه در زمان واقعی را ارائه می‌دهد. این سایت موتورهای جست‌وجو، پایگانی و جداول: املاک و مستغلات، وسایل نقلیه، نیازمندی‌ها و عمومی را هم ارائه می‌دهد. من اعتقاد دارم که ما با کوزینسکی این روزنامه را به عصر جدیدی سوق می‌دهیم که در جریان آن قادر خواهیم

بود رؤیای بزرگ من و عوفر_ بازگرداندن معاریو به جایگاه همیشگی و ارزشمند خود به عنوان رایج‌ترین روزنامه در کشور را تحقق بخشیم.
در جنگل مطبوعات
هنگامی که معاریو را خریدم تصور نمی‌کردم با ورود ما به دنیای مطبوعات در اسرائیل عمق خصومت‌ها این‌قدر باشد. من

نمی‌دانستم که به یک محیط خشونت‌آمیز، که در آن از انجام اقدامات غیر قانونی مثل سرقت، جاسوسی، اخاذی و ارعاب هراسی نیست، وارد شده‌ام. واقعیت‌هایی که مجبور بودیم بعد از خرید روزنامه فوراً به آنها رسیدگی کنیم، ما را شگفت‌زده کردند. اولین جنگ، سرقت سازمان یافته بسته‌های روزنامه در صبح زود از کنار کیوسک‌ها و مغازه‌ها بود. تحقیقاتی انجام دادیم که ما را به دیدیوت‌آحارونوت رساند.

بعد از آن گزارشی دقیق درباره تهدیدات صاحبان کیوسک‌ها و مغازه‌هایی که روزنامه‌ها را می‌فروختند به ما دادند، فرستاده‌های دیدیوت‌آحارونوت به آنها گفتند: تصمیم



بگیرید یا ما یا معاریو. اگر شما معاریو را فروشید، کارتان با دیدیوت‌آحارونوت تمام می‌شود. دیگر روزنامه دریافت نخواهید کرد و این حق را به دیگران خواهیم داد.

دلیل این اتفاقات چه بود؟ باید این طور بگوییم: خانواده موزس به هیچ وجه آمادگی پذیرش این واقعبت را نداشت که خانواده نیمرودی که از عراق آمده بود و از طبقه اشراف

نمی‌دانست که به یک محیط خشونت‌آمیز، که

شک در رأس قرار داشت، دوباره آغاز می‌شود. این روزنامه مهم را سه خوبی مطالعه کردیم و هدف خود را بازگرداندن معاریو به جایگاه همیشگی‌اش به عنوان بزرگ‌ترین روزنامه، شماره یک در توزیع، همان‌طور که در طول بیست و پنج سال بود، تعیین کردیم. برای انجام سرمایه‌گذاری و تلاش برای رسیدن به این امر سخت، آماده بودیم و فکر نمی‌کردیم

اولین جنگ، سرقت سازمان یافته بسته‌های روزنامه در صبح زود از کنار کیوسک‌ها و مغاز‌ها بود. تحقیقاتی انجام دادیم که ما را به دیدیوت‌آحارونوت رساند. بعد از آن گزارشی دقیق درباره تهدیدات صاحبان کیوسک‌ها و مغازه‌هایی که روزنامه‌ها را می‌فروختند به ما دادند، فرستاده‌های دیدیوت‌آحارونوت به آنها گفتند: تصمیم بگیرید یا ما یا معاریو. اگر شما معاریو را بفروشید، کارتان با دیدیوت‌آحارونوت تمام می‌شود. دیگر روزنامه در یافت نخواهید کرد و این حق را به دیگران خواهیم داد.

نمی‌دانستم که به یک محیط خشونت‌آمیز، که

شک در آن از انجام اقدامات غیر قانونی مثل سرقت، جاسوسی، اخاذی و ارعاب هراسی نیست، وارد شده‌ام. واقعیت‌هایی که مجبور بودیم بعد از خرید روزنامه فوراً به آنها رسیدگی کنیم، ما را شگفت‌زده کردند. اولین جنگ، سرقت سازمان یافته بسته‌های روزنامه در صبح زود از کنار کیوسک‌ها و مغازه‌ها بود. تحقیقاتی انجام دادیم که ما را به دیدیوت‌آحارونوت رساند. بعد از آن گزارشی دقیق درباره تهدیدات صاحبان کیوسک‌ها و مغازه‌هایی که روزنامه‌ها را می‌فروختند به ما دادند، فرستاده‌های دیدیوت‌آحارونوت به آنها گفتند: تصمیم

پاورقی

Research@kayhan.ir

که مجبور شویم به سوی خشونت و کارهای غیرقانونی کشیده شویم. یک کمپین بزرگ تبلیغاتی راه انداختیم: «معاریو پیشرفت می‌کند– دیدیوت‌تنزل می‌یابد.» اژانس تبلیغاتی «فوکال-لوین» این کمپین را طراحی و تدوین کرد، و در برنامه رادیویی «رنگ پول» در صدای اسرائیل به عنوان کمپین بازاریابی برجسته سال ۱۹۹۲ انتخاب شد. این داستان موفقیت شگفت‌آوری بود. معاریو خسته و منزوی، برای زندگی بیچاره شد. در همه جا دیده می‌شد، همه جا دربارهٔ آن صحبت می‌شد، ناگهان روزنامه‌نگاران آن انگیزه گرفتند و افراد زیادی شروع به ابراز کنجکاوی و علاقه به این روزنامه احیا شده کردند. توزیع این روزنامه به تدریج افزایش یافت. این با تعداد کمی شروع شد، اما این خط افزایش ادامه داشت، و در طول چند ماه برای تمام کارشناسان رسانه روشن بود که معاریو با عظمت به بازار بازگشته است. خانواده موزس دچار وحشت شدند.

شروع کار ما بحث روز در لابی‌های دنیای تجارت در اسرائیل بود. مدام اظهاراتی حسادت‌طلبنانه و اشاراتی توهین‌آمیز می‌شنیدم. خودم را گول زدم که ما بیش از اندازه قوی خواهیم شد، اما قطعاً انتظار یک بازی عادلانه را داشتم. و همان‌طور که گفته شد، این برای من یک ناامیدی بزرگ و تلخ بود. از لحظه‌ای که این معامله انجام شد و مالک این روزنامه شدید و عوفر کی‌رؤای بزرگ را تحقق بخشید و به عنوان سردبیر و رئیس هیئت مدیره روزنامه محترم و پر انتشار منصوب شد، علیه ما جنگ جهانی آغاز شد.

برای آرتسون موزس، مدیر مسئول دیدیوت‌آحارونوت و عاوس شوکن ناشر روزنامه مالک آن، و ریشت شوکن، شاعر پیوستن بازیگری جدید که از خانواده‌های بنیانگذار مطبوعات اسرائیل نیست سخت بود. آن‌هایی که حقوق زیاد و مهمی دارند، اما قطعاً مالکیت و انحصار کل دنیای مطبوعات در کشور را ندارند. اما موزس و شوکن اینچنین احساس و رفتار می‌کنند، آن‌ها نفرت‌شان از ظهور خانواده نیمروودی به عنوان مالکان معاریو و یک همکار با جایگاه برابر را مخفی نکردند. این چیزی بود که آن‌ها نمی‌توانستند تحمل کنند.

کارهای موزس حتی فراتر از این رفت و بعدها منجر به تشکیل پرونده استراق سمع شد. چیزی که می‌توانم در این مرحله بگویم این است که دیدیوت‌آحارونوت، معاریو را به میان آشوبی ناخوشایند و بزرگ کشید و به طریقی نیازی نبود هزینه کارهای نتگین خود را بپردازد. در واقع دو طرف کارهایی انجام دادند که نباید انجام می‌دادند، اما فقط یک طرف محاکمه و به شدت مجازات شد؛ ما، دو طرف ملزم به پرداخت بهای خیلی سنگین و شروع از نقطه صفر به دنبال این پرونده شدند، اما فقط یک طرف این را انجام داد. ما.

پانوش:
۱- م: برای اطلاع بیشتر از اختلافات طبقاتی در میان صهیونیست‌های ساکن اراضی اشغالی رجوع شود به پانوش ۷ فصل ۱۲.

سناریوی خیالی تامپسون ارزش پرداختن دارد. لیندون بینز جانسون^[۱] مرد دهه ۱۹۳۰، پسرک فقیر تگزاسی که با دنیای پیچیده ساحل شرقی غربی بود، هیچ سسرکاری با آن همه روشنگر نداشت، او هیچ درکی از جذابیتی که بر دوران آدرخشان^[۱] آنتی^[۱] جان اف کندی سابه افکنده بود، نداشت. تصور جانسون از یک جشنواره فرهنگی محدود به برنامه‌ای بود که «بانوان را خوشحال کند.» دو سال قبل از انتشار مقاله بریدن، در ۱۴ ژوئن ۱۹۶۵، روشنفکران آمریکایی «جشنواره هنری کاخ سفید»-را- که در اصل توسط مشاوران جانسون به عنوان «بازاری بصری آرام کردن مخالفت‌ها با جنگ» طراحی شده بود- به تریبونو خشمگین علیه جنگ

جنگ سرد فرهنگی: سازمان سیا در عرصه فرهنگ و هنر – ۱۱۲

وینتام تبدیل کردند. رابرت لاول دعوتش را رد کرد (این موضوع به درستی در پرونده آبی‌ای او مورد اشاره قرار گرفته) و آداموند ویلسون کمپنیز با «حاضرجویی» او بی‌ادبی (که آریک گلدمن، بر گزارکننده جشنواره شد را متحیر ساخت)، همین کار را کرد- آریعی از حضور جشنواره امتناع نمود.ا. دوایت مک‌دونالد در جشنواره حضور یافت، امسا با طوماری در حمایت از لاول و محکوم کردن سیاست آمریکا محترم و پر انتشار منصوب شد، علیه ما جنگ جهانی آغاز شد.

برای آرتسون موزس، مدیر مسئول دیدیوت‌آحارونوت و عاوس شوکن ناشر روزنامه مالک آن، و ریشت شوکن، شاعر پیوستن بازیگری جدید که از خانواده‌های بنیانگذار مطبوعات اسرائیل نیست سخت بود. آن‌هایی که حقوق زیاد و مهمی دارند، اما قطعاً مالکیت و انحصار کل دنیای مطبوعات در کشور را ندارند. اما موزس و شوکن اینچنین احساس و رفتار می‌کنند، آن‌ها نفرت‌شان از ظهور خانواده نیمروودی به عنوان مالکان معاریو و یک همکار با جایگاه برابر را مخفی نکردند. این چیزی بود که آن‌ها نمی‌توانستند تحمل کنند.

کارهای موزس حتی فراتر از این رفت و بعدها منجر به تشکیل پرونده استراق سمع شد. چیزی که می‌توانم در این مرحله بگویم این است که دیدیوت‌آحارونوت، معاریو را به میان آشوبی ناخوشایند و بزرگ کشید و به طریقی نیازی نبود هزینه کارهای نتگین خود را بپردازد. در واقع دو طرف کارهایی انجام دادند که نباید انجام می‌دادند، اما فقط یک طرف این را انجام داد. ما.

پانوش:
۱- م: برای اطلاع بیشتر از اختلافات طبقاتی در میان صهیونیست‌های ساکن اراضی اشغالی رجوع شود به پانوش ۷ فصل ۱۲.
بیشتر است تا برای دیگر افراد توده و سرباز به دینداری نیازمندتر است از دیگران؛ لکن با قانون گذارها که خود را دانشمند بحساب می‌آورند سخن داریم. این‌ها با آن‌که همه می‌دانند که این نظام دروغی قاچقی نامی بر آن گذاشت؟؟ بلوغ شرعی مطلق بلوغ طبیعی چندساله نتیجه مثبتی از آن نبردمی سهل است [آ] زاین‌های بسیار نصیب کشور و عضو کارگر آن - که به حیات کشور مانند کشور ما بر آن است - شده است، باز سزای نداشتند و به کارهای شخصی خود و شهوت‌رانی‌ها و کیسه پرکردن‌ها سرگرم‌اند.

در زمان حکومت رضاخان این بهانه را داشتند که هرچه او گفت نمی‌توان در مقابل او حرفی زد. حالا ما با خوش‌رفقی‌ها کاری نداریم؛ لکن عذر امروز چیست؟ تا قیامت یاد یک دسته استفاده‌چی بی‌عاطفه به جان توده کارگر ببندد و از خون آن‌ها بکد و سرمایه حیات ما، و معنوی آن‌ها را به غارت ببرد و کشورزی کشور را از خاصیت خود ساقط کند.»

ایشان در ادامه می‌نویسند: «روح فداکاری و خدمت به مین در سربازهای ما با این سخنان پوچ روزنامه‌ها و سروده‌های رسوای مینعی پیدا نمی‌شود. یک نفر سرباز که وارد سربازخانه‌های ما می‌شود از سرباز دم در گرفته تا صاحب‌منصب ارشد با هرکس سرکارو پیدا می‌کنید می‌بینید جز برای پر کردن کیسه‌ها و گردن بردن ساختمان‌های چند صد هزار تومانی و شهوت‌رانی‌ها و خلاف عفت‌ها قدمی برای کار دیگر بر نمی‌دارند. می‌خواهید این سرباز با این پرورش‌های عملی موافق شهوت و میل نفسانی با چند سطر عبارت روزنامه و چند شعر خنک بی‌معنی توأم با رقص و ساز، مینهم‌دوست و خدمتگزار به کشور شود و برای کشور فداکاری کند؟!… آن تبلیغات بی‌اساس شما که فقط نظر تشریفاتی دارد و همه دروغ بودن و بی‌جه‌ای بودن آن را می‌دانند می‌خواهید در سرباز چه اثری داشته باشد؟! سرباز بیچاره چه کند که خود را در میدان خیانت‌ها و جنایت‌ها از اشخاصی که مینهم‌پرستی و راد شیانه‌روزی آن‌ها است غرق می‌بیند. من خود یک کلک محترم را می‌شاسم که با حسن دینداری برای یک امانت‌داری که با روح زمامداران مناسب نبود، کار انداختند و او را دیگر سرکاری نگذاشتند. سربازی که ببیند پادش امانت این است و در مقابل پارک‌های خیانت‌کاران سسر بر فلک کشیده درس خود را برای همیشه می‌خواند. این افسانه‌ها را برای کسی بخوانید که اهل آب‌و‌خاک شما نیست و از فجاجی پشت این چهاردیواری‌های نتگین بی‌خبر است.»

۴-۹. **مخالفت با قانون تعیین سن ازدواج**
یکی از قوانین طاغوتی عصر پهلوی ممنوعیت ازدواج در سن بلوغ طبیعی بود. امام‌خمینی(ره) در اعتراض به این قانون می‌نویسند:



جنگ سرد فرهنگی: سازمان سیا در عرصه فرهنگ و هنر – ۱۱۲

حدی بود که این دیوار را به اندازه بتن‌های خردار بین برلین شرقی و غربی، غیرقابل نفوذ جلوه دهد.» جانسون نقل شده که گفته بود توطئه‌ای بین «این افراد» وجود دارد تا به او و مقامش توهین و «در اوج بحران به کشورشان آسیب بزنند.» آن‌ها «حرامزاده»، «حاقق» و «خائن» بودند که یک اتفاق جزئی را به «ضعیتی تبدیل کردند که به هر چیزی جز یک اتفاق کوچک شبیه بود.» رئیس‌جمهور به دو دستیار خود، ریچارد گودوین و بیل مویرز، گفت که «دیگر قصد ندارد هیچ کاری با لیبرال‌ها داشته باشند. آن‌ها هم کاری با من ندارند. همه آن‌ها دنباله‌رو کمونیستی هستند،

مک‌دونالد ۹ امضای دیگر نیز جمع‌آوری کرد و تقریباً کارش به درگیری فیزیکی با چارلتون هستون کشید، که او را به فقدان «ادب اولیه» متهم کرد و از او پرسید: «آیا واقعاً عادت داری در خانه میزبان، طومار علیه او امضا کنی؟» جانسون پس از این ماجرا با این احساس باقی ماند که کاخ سفید توسط «دار و دسته‌ای از خائنان» تصرف شده است. این رویداد یک فاجعه تمام‌عیار بود و به گفته آریک گلدمن، «واکنش رئیس‌جمهور جانسون به آن، بر آجرهای دیوار بین رئیس‌جمهور و این‌ گروه‌ها افزود.»

لیبرال‌ها، روشنفکران، کمونیست‌ها همه آنها یکسان هستند.» جیمز برنهام، که در روزهای نخست، به ابرازسازای از کنگره آزادی فرهنگی برای سازمان سیا کمک کرد- اما این کار را در قامت یک واقع‌گرای^[۱] محافظه‌کار^[۱] انجام داد- آشفستگی کنونی را گواهی بر هشتاد دیرینه‌اش مبنی بر وجود یک «تقصی بنیادین» در اندیشه سازمان سیا می‌دید. او نوشت: «سازمان سیا بیشتر این فعالیت‌ها را از منظر «چپ غیرکمونیست» برنامه‌ریزی کرد. سازمان سیا چپ غیرکمونیست را نیرویی قابل اتکا و ضد کمونیست ارزیابی کرده بود که در عمل، اگر طرفدار غرب و آمریکا نباشد، دست‌کم ضد غرب و ضد آمریکا هم نخواهد بود. این باور د سیاسی اشتباه است. چپ غیرکمونیست قابل اتکانش نیست. تحت فشار رویدادهای بحرانی، چپ غیرکمونیست سست شد.بخش بزرگی

«یک نفر جوان را در موقع غرور شهوت برخلاف سنت طبیعت که از سنن بزرگ الهی است برای تعیین بلوغ سه سال از ازدواج مشروع محروم کنند جز کمک کاری به شیوع فحشا و فساد اخلاقی توان نامی بر آن گذاشت؟؟ بلوغ شرعی مطلق بلوغ طبیعی است که سنت تغییرناپذیر است و حکم برخلاف آن راه انداختن فحشا و خلاف عفت و کمک کاری به امراض گوناگون تناسلی است که نسل پا جوانان ما را برمی‌انزارد. این اختلاط جوان‌های تازه‌رس در حال غرور شهوت با خانم‌های جوان شهوت‌ران با آن وضع فجاجی سسر و پا و سنیه برهنه با زینت‌های گوناگون، آن موسیقی‌های طرب‌انگیز شهوت‌زای ریودها و دیگر آلات طرب، آن ترتیب‌های مسموم استادان بی‌عفت، آن عنایت‌های دولت و زمامداران کشور، به راه انداختن چرخ فساد با محروم بودن جوان‌ها از ازدواج مشروع چه فسادحالی در کشور ایجاد می‌کند، چشم‌داشت صلاح و اصلاح از چنین کشور و توده‌ای ناظمی نیست؟! امید پیدا شدن روح عفت و شماییت و شجاعت در افراد جوان این چنین کشور خیلی باطل نیست؟»

۴-۱۰. **فاجعه گوهرشاد**
«ما می‌گوییم دولتی که برای پیشرفت کلاه‌لگنی می‌خورده اجاب چندین هزار افراد مظلوم کشور را در معبد بزرگ مسلمین و جوار امام عادل مسلمانان با شصت تیر و سرنیزه سوراخ‌سوراخ و پاره‌پاره کند این دولت، دولت کفر و ظلم است و اعانت آن عدیل کفر و بدتر از کفر است.»

۴-۱۱. **جدایی مردم از حکومت پهلوی**
«سربازی که می‌بیند از سرلشکرها گرفته تا بالا و پایین همه نظام‌وظیفه را الت استفاده‌های شخصی خود قراردادند و از هفت ریال و ده شاهی حقوق آن‌ها هم چشم نمی‌پوشند و در وقت سستی می‌کنند و هم اول کسی که لباس نظام را تبدیل می‌کند و با لباس شخصی فر می‌کند سرلشکرها و مانند آن‌ها هستند؛ چنانچه همه دیدید می‌خواهید زیرتان برود؟! توده‌ای که دید مالیات این کشور خرج یک دسته خیابان گرد و شهوت‌پرست می‌شود و بیت‌المال پارک‌ها و اتومبیل‌های شخصی را تأمین می‌کند توقع دارید با روی گمشاده و چهره‌ی باز مالیات را می‌رود دست گرفته تقدیم مأمورین دولت کنید که مردم همه این‌ها را شناسخته و همه معایب را دیدند. دیگر نمی‌توان آن‌ها را با نام عظمت کشور و استقلال وطن و پاره‌ای از این الفاظ فریبنده منحرف کرد که بدون چون‌وچرا هرچه به دست می‌آورد بدهند دیگران به کیسه بزنند و بانک‌های آمریکا را پر کنند. باید فکر نویی بکنید و حيله تازه به‌کار بیندازید و از راه دیگری توده را اغفال نمایید.»

ما می‌گوییم دولتی که برای پیشرفت کلاه‌لگنی نیم‌خورده اجانب چندین هزار افراد مظلوم کشور را در معبد بزرگ مسلمین و جوار امام عادل مسلمانان با شصت تیر و سرنیزه سوراخ‌سوراخ و پاره‌پاره کند این دولت، دولت کفر و ظلم است و اعانت آن عدیل کفر و بدتر از کفر است.

صفحه ۶

دوشنبه ۴ اسفند ۱۴۰۴

۵ رمضان ۱۴۴۷ – شماره ۲۰۸۵



از آن- چه در این کشور و چه در دیگر کشورها- به سمت موضع ضدآمریکایی گرایش پیدا کردند و تقریباً همه چپ‌های غیرکمونیستی موضع خود را نسبت به کمونیسم و کشورهای کمونیستی نرم‌تر کردند. بنابراین، فروپاشی سازمانی ناشی از خطای سیاسی^[۱] است. این خطای سیاسی، همان کنترینی هست که می‌گوید مبارزه جهانی علیه کمونیسم باید مبتنی بر چپ غیرکمونیست باشد، کنترینی که توسط آن دالس بر سازمان سیا تحمیل کرد. کوبلا، جمهوری دومینیکن و از همه مهم‌تر وینتام، فکر و عمل چپ‌های غیرکمونیستی را در معرض آزمونی سرنوشت‌ساز قرار دادند. بخش بزرگی از سازمان‌ها و افرادی که سازمان سیا تحت ندهم‌ای چپ غیرکمونیست پرورش داد، در نهایت اراده ملت را تضعیف کردند و امنیت ملی را مختل یا تخریب نمودند.» تصور اینکه لیندون جانسون بعداً ممکن است به انحلال رابطه سازمان سیا با چپ‌های غیرکمونیست علاقمند شده باشد، دشوار نیست.

۱- جانسون شش‌هفتی شاور داشت، یعنی مثل توبی که در قیاسوشفتگی هوا مانده باشد، هیچ سختی و صمنی با فضای روشنفکری نداشت. جانسون رئیس‌جمهور آمریکا، کشور با چنین مختصات بودا جانسون معوان آن‌جا افتد کنیدی رئیس‌جمهور آمریکا در پی قتل او در ۲۲ نوامبر ۱۹۶۳ در شهر لالاس ایالت تگزاس و به مقام ریاست جمهوری رسید و پس از پایان دوره ریاست جمهوری کنیدی در دوری انتخابات مقابل بری گلندوار با اختلاف بالا پیروز شد. بنابراین او و سال ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۹ رئیس‌جمهور آمریکا بود.

۲- آتن باستان نما خرد، فلسفه، هنر، ادبیات، زیبایی‌شناسی، موزکراسی و مباحث‌های فکری بزرگ است. دوره‌ای طلایی که در آن شخصیت‌هایی مثل سقراط، افلاطون، ارسطو، سوفوکل و… ظهور کردند. کاخ سفید هم به مرکز فرهنگ و روشنفکری تبدیل شده بود. کنیدی و همسرش ژاکلین، هنرمندان، شاعران، موسیقیدانان، نویسندگان و فیلسوفان بزرگ را به کاخ سفید دعوت می‌کردند.

۳- بارکر و کندی به‌تکنند معروف هالیوود که در فیلم‌های شناخته‌شده‌های مانند بن هور و اول سید و… نقش اول را داشت.

۴- از موضع چپ واقع‌گرا، به دنبال تأمین منافع ملی آمریکا در رقابت با شوروی بود. پس در تشکیل کنگره آزادی فرهنگ نقش داشت.

۵- اما از موضع چپ محافظه‌کار، استراژی رسمی سازمان سیا (متکی بر چپ‌های غیرکمونیست) را یک ماجراجویی آرمان‌گرا و خطرناک می‌دید. از نظر او این استراژی، بی‌رواقعی بود. چون نیروهای چپ (حتی غیرکمونیست‌ها) ناثبات است و غرب و آمریکا بی‌اعتماد و منتقد بودند. پس قابل اتکا نبودند.

۶- خطای سیاسی و خطای حساباتی.

۴-۱۲. **شریعت سنگلجی**
شریعت سنگلجی یکی از چهره‌های مطرح جریان شبه‌روشنفکری است که آراه انحرافی او مورد نقد اهل علم قرار گرفته است. امام در رابطه با روحیه لابی‌زای او و امثال او می‌نویسند:
«زاد مرد آن است که چون خطای خود را دید از پافشاری خودداری کند و ما آن شخصیت را به روشن‌فکری معرفی می‌کنیم که در لجاج و فساد دوری کند و از گفته‌های او باطل بگذرد.
شریعت سنگلجی به گفته‌خود او برای تعقیب بعضی از اهل منیر لج کرد و بر سر حرفی که معتقد نبود تا آخر عمر پافشاری کرد و یادگارهای نتگین به‌جای خود گذاشت که دانشمندان - نه دیگران - خوب می‌دانند و مشت او در جامعه‌علمی و دینی باز است. ما این‌طور اشخاص را به آزادی فکر و شخصیت درست نمی‌شناسیم و در پیشگاه محکمه اسانتیاب و حریت محکوم می‌دانیم.»

امام در رابطه با مزحک بودن اندیشه‌های شریعت سنگلجی می‌نویسند: «راستی من روزی که کتاب توحید عبادت سنگلجی را خواندم رسیدم به آنجا که می‌گوید: عبادت سنگلجی عقیق در دست کردن شرک است آن را بیرون آورده در راه حج به دور انداختم؛ به مغز تهی از ادراک او خندیدم که این مرد من مکه می‌رود چه کند و دور آن سنگ‌ها چرا می‌گردد؟! معلوم می‌شود آن‌ها را خدا می‌داند یا خدا را در آن خانه و سنگ سراغ دارد. اگر بگویند آن اطاعت فرمان خداست، این‌ها همه نیز اطاعت فرمان خداست وگرنه هیچ‌کس نه سنگ سیاه می‌قیمتی را می‌پرستد و نه از انگشتر یاقوت و عقیق حاجت می‌طلبد.»

امام در رابطه با ارتباط فکری و جریان‌ی شریعت سنگلجی و حکمی‌زاده با اندیشه‌های انحرافی وهابیت می‌نویسند:

«بحث در اطراف شفاعت از چیزهایی که در این اوراق بی‌سر و پای خود می‌نویسد آن است که: «خدا مگر مانند آخوند مکتب است که وقتی شاگرد را به فلک بستند شخصی می‌زند مگر اینکه دیگری بیاید و میانجیگری بکند، تعالی الله عَسَا یَقُولُ الظَّالِمُونَ غُلُوًّا کَبِیرًا.»

ریشه این سخن از وهابیه است آن‌ها می‌گویند راجع به شفاعت جستن از مردگان است. پس از آن، بعضی نویسندگان مصر، این سخن را به‌طور دیگر بیان کرده و شفاعت را به‌طور کلی انکار کرده است و معنی شفاعت را پیش خود عبارت از تعلیمات ادبیه دانسته؛ پس از تشخیص طنطوای این سخن را پسند کرد و به اسم خود تمام کرد و خود را فاتح این سنگر بزرگ قلمداد کرد. نیم خود مصری‌ها به ایران آمد. اول شریعت سنگلجی با یک چار و جنجال که مخصوص خودش بود آن را به قوه ابتکار خود نسبت داد و شاهنامه‌ها در این باب خواند سپس این باورهای بیپوش نیم‌خورد وهابیه‌ها را که هر یک از این‌ها که ذکر شد خورده و به‌عنوان زیاده‌های هزار ساله بیرون دادند. با این تعبیر خنک به رخ دینداران کشیده‌اند. او نیز در این سخن و دیگر سخنان تقلید ازباب بی‌خرد خود را کرده است. ما اشکالاتی که در باب شفاعت می‌شود کرد یکان می‌نماییم و پاسخ از آن‌ها می‌دهیم.»